**تاریخ یزد**

**باستانی پاریزی،**

تاریخ عمومی ایران،آنطور که بر اساس تحقیقات و تتبعات علمی صورت گرفته باشد ،بطور کلی هنوز تدوین نیافته و علت آن نیز اوضاع است.زیرا تدوین یک تاریخ جامع صحیح بروش جدید مستلزم استفاده از مدارک و استاد متعدد گوناگون و مراجعه به کتب و رسالات بی‏شمار داخلی و خارجی‏ و توجه بتأثیر عوامل مهم اقتصادی و اجتماعی و سیاسی و روحی در هز عهد و زمان در پیدایش حوادث و وقایع، و جستجو در گوشه و کنار و زوایای تاریک زمان و مکان است که کار یکی دو تن و یکی دو سال نیست، بل مستلزم تحقیقات و تجسمات مداوم هیأت‏های بزرگ علمی و صرف مبالغ معتنابهی پول در مدتی‏ قابل ملاحظه است و متأسفانه فعلا هیچیک ازین عوامل فراهم نیست و اگر هر چند گاه کوششهائی حیرت‏ انگیز در اثر نبوغ و پشتکار و حوصلهء بزرگانی امثال صنیع الدوله،پیرنیا،اقبال،قزوینی‏ یا کسروی و امثال آنان شده و قدمهائی بس بزرگ در این راه طویل و دور برداشته میشود در حکم‏ شررهائی است که در هوا افسرده می‏گردد و تازه کار این بزرگان نیز بی‏غل و غش و کامل و جامع طبعا نبوده‏ زیرا چنانکه گفتیم همهء عوامل مذکور را در اختیار نداشته‏اند.فی المثل عمر کوتاه و عدم فراغت‏ خاطر اقبال و فقدان سرمایهء مادی قزوینی و تک‏روی و یک‏دندگی کسروی از عوامل مؤثر بوجود نیامدن‏ یک اثر تاریخی کامل برای این سرزمین کهنسال پر سرگذشت بوده است.

برای تدوین یک تاریخ جامع،در مرحلهء اول مدارک معتبر و متعدد و دقیق لازم است که این‏ مدارک از خشت ایوانها و راهها و آب و هوا و کوه و دشت گرفته تا بالاخره کتب و اسناد و نوشته‏ها و عهدنامه‏ها را شامل میشود البته یکی از بزرگترین منابع یک مورخ کتب تاریخی متقدم است.

کشور ما که سالهای دراز بصورت ملوک الطوایف اداره شده و هر ناحیه‏ای را حاکمی بالاستقلال‏ اداره کرده و هر گردن‏کشی در گوشه‏های آن کوش لمن الملکی زده،طبعا باید تواریخ محلی زیاد داشته‏ باشد و خوشبختانه کتب متعدد و متقنی مربوط به نقاط مختلف در دست داریم که با مراجعهءدقیق بآن کتب‏ متوجه میشویم که تواریخ عمومی بزرگ عربی و فارسی امثال ابن اثیر یا روضة الصفا و حبیب السیر و حتی‏ بیهقی و طبری در مورد نقل وقایع و اسامی و حوادث شهرستانهای کوچک و نواحی دوردست و گمنام از اشتباهات بری نیستند،و این کتب تاریخ محلی وقایع را مفصل‏تر و اسامی را دقیق تر و بی‏غرض‏تر توجیه و تبیین کرده‏اند.

از جملهء این تواریخ محلی می‏توان تاریخ قم و تاریخ طبرستان و تاریخ سلاجقهء کرمان و سمط العلی‏ و عقد العلی و قندیه و تاریخ بخارا و تاریخ گواشیر وزیری و مزارات کرمان و فارسنامه و همین تاریخ یزد را نام برد که اخیرا بهمت آقای ایرج افشار بچاپ رسیده است.

این متن در قرن نهم هجری تألیف یافته و بقول مصحح محترم،مأخذ کتب دیگری بوده است‏ که در قرون بعد راجع باین شهر نوشته‏اند.

متن کتاب مصحح از روی سه نسخه بوده و در ذیل صفحات تفاوت نسخه بدلها ذکر شده و متنی‏ منقح و صحیح و بسیار زیبا و کم غلط و خوش چاپ از کار در آمده است.

دربارهء ارزش تحقیقی و علمی کتاب باید گفت که این متن نیز مانند بسیاری از متون قدیمی بر اساس‏ روش دقیق تنظیم نیافته و همان نواقصی را که سایر کتب تاریخی ما از قبیل نقل افصانه‏ها و روایات بی‏پا بعنوان‏ تاریخ و مداهنه و چرب زبانیهای بی‏جا و غث و سمین و حشو و زائد داشته‏اند دارد،ولی همهء این مراتب کفهء ارزش آنرا در ترازوی مقایسه با کتب مشابه آن بالا نمیبرد.

در بنای عمارت یزد مینویسد:[اسکندر]چون بسر بیابان خراسان رسید به لشکر بفرمود تا قلعهء بساختند و نهری جاریکردند...و آن مقام را کثه نام نهاد و این اول عمارت یزد است که‏ آرا زندان ذوالقرنین می‏خوانند(ص 10)

باید احتمال داد که این کته با ریشهء لغت کت و کد که در بسیاری از اسامی امکنهء قدیم دیده‏ میشود و معنی مکان و جا را می‏دهد مربوط باشد.

درة العقد تاریخ یزد،تاریخ عهد بنی مظفر است که از یزد برخاستند و فارس و کرمان و عراق‏ را مدتها مرکز تاخت و تاز خود قرار دادند.کیفیت پیدایش این سلسه عجیب است:«[یکی از خویشان سلطان محمد]به شیراز آمده بود و بسیاری فساد ازو حاصل می‏شد.بزور به حمام زنان میرفت‏ و فساد می‏کرد،شرف الدین مظفر به شیراز آمد...چون سوداجی به حمام رفت،شرف الدین مظفر بدر حمام آمد،او را بیرون آورد و گردن بزد و سرش نزد سلطان فرستاد.سلطان بفرمود که زن سوداجی‏ را به شرف الدین مظفر دادند.در سال سبعمائه خدای عزوجل او را پسری داد،مبارز الدین محمد نام کرد»(ص 21)

آبادانی یزد در این عهد و زمان تیموریان واقعا بی‏نظیر و عجیب بوده است،تعداد مساجد و مدارس و نهرها و حوض‏ها و آب‏انبارها و قنوات و ابنیه و عمارت با مقایسهء امروز حیرت‏انگیز بنظر می‏رسد.

مورخ ما مثل اکثر مورخین و نویسندگان دیگر ایرانی شاعر بوده است ولی اشعاری که معمولا در تاریخ مناها و غیر آن سروده در درجهء 2 و 3 ارزش قرار میگیرد.اشعار زیادی از شرف الدین علی یزدی‏ و خواجو در این کتاب وجود دارد....در توصیف حمامی شرف الدین میگوید:

خادم آزاده بس آماده است‏ منتظر خدمتی استاده است‏ جمله صفا بخش و کدورت زدا شیوهء خود را ید بیضا نما هم به خلا هم به ملا محرمند روی برو هم بغل و همدمند بسته میان خدمت پاکان کنند سردروی(؟)مشکل و آسان کنند داس ز الماس و ز هر کشت تر سنبل و ریحان دروند از هنر

(ص 53)

مصحح محترم در برابر«سردروی»علامت سؤال گذاشته‏اند که در حقیقت نمایندهء ابهام در معنای‏ شعر است،و حال آنکه بعقیده بنده ابهامی ندارد،مقصود شاعر دلاک بوده است که موی سر را درو میکرده‏ و این کار اگر چه مشکل است او آن را آسان انجام می‏دهد...

کلمات محلی زیبای بسیار در آن است که شاید در سایر جاها مرسوم نباشد ولی هنوز هم در آن‏ حدود باقیمانده است:

داربند-چوب‏بست مو و انگور،سرابستان-خانه‏ای که باغچه دارد،پیشگاه-سر در خانه، شتر خان-نوعی کاروان‏سرا،دربندان-محاصره شهر و بستن دروازه‏ها،کشخوان -کشتزار.

\*\*\* صفت مدرسهء و کنیه و رصدخانهء آن و ساعتی که برایش ساخته بودند واقعا جالب و عجیب بنظر می‏رسد:«بر مقابل مدرسه رصدی ساخته و دو منار کوچک بر دو طرف آن مبنی شده و بر سر یکی مرغ روئین‏ نهاده که چون آفتاب طالع می‏شود آن مرغ رو به آفتاب می‏کند... و در میان رصد چرخ چوبین منقش‏ نهاده و سیصد و شصت قسمت کرده و در هر قسمتی درجه‏ای ساخته،محل آفتاب هر روز در درجه می‏نماید که آفتاب کدام درجه است... وقتی دایره بر گرد دایره قمر نهاده که هریک روز از ماه بگذرد دایرهء سفید سیاه شود تا آخر ماه.و دوازده خانه بریمین و دوازده خانه بریسار چرخ داده... هر یک ساعت که‏ گذرد از دریچه‏ای که در تحت او ساخته مرغی روئین سر بیرون کند و مهره از دهن در طاس که زیر آن دریچه نهاده است بیندازد...و چون مرغ مهره در آن طاس اندازد در اندرون رصد طبل زده شود و بر بالای آن مناره علمی ظاهر شود و طبل زده شود...و آن دوازده خانه‏ای که برابر دوازده ساعت‏ روز و شب دو سوراخ کرده و هر شب هر ساعت چراغی نهاده می‏شود و هر ساعت که از شب می‏گذرد چراغ‏ باز نشانده می‏شود...و مصتف رصد مولانا خلیل بن ابی‏بکر آملی است...»(ص 83).

\*\*\* در ذکر مزارات مثل کتب مشابه طبعا اغراق‏ها غلوها و ذکر عجایب و غرایب و خوارق عادات را مفصلا دارد.

\*\*\* توضیحات و استدراکات مصحح محترم واقعا ارزش کتاب را بسیار بالا میبرد.این توضیحات‏ با روش دقیق کتابشناسی و بر اصول تحقیقات امروزی تنظیم شده.فهرست اسامی و امکنه قریب یکصد صفحه‏ می‏شود که خود از متن کتاب کمتر نیست.

\*\*\* با توجه بسیاری که برای زیبائی و صحت چاپ کتاب بکار رفته و غلطنامه هم دارد،باز هم خطاهای‏ چاپی کمی دارد،:در حق ما گر چو غضب لایقست(ص 65)که باید گر چه باشد.صفا ز صحن فصیح، که باید فسیح نوشته شود(ص 66)\_خطیره که خطیره است(ص 136)\_راست چون قد و عذار دلبران،که صحیح خد-گونه است.(ص 145)

قسمت عمدهء کتاب شرح بناها و منزلها و آثار تاریخی یزد است که باید گفت عنوان آن اگر تاریخ آثار و ابنیهء یزد نوشته می‏شد از عنوان «تاریخ یزد»صحیح‏تر می‏نمود.

\*\*\* آقای ایرج افشار با چاپ این متن تاریخی،مجموعهء مهمی از متون فارسی را از خطر زوال‏ مصون داشته‏اند.توفیق ایشان و بنگاه ترجمه و نشر کتاب در چاپ امثال این قبیل آثار و اسناد آرزوی‏ عموم فرهنگ پژوهان و علاقمندان است.

باستانی پاریزی

«تاریخ یزد»از کتاب‏های بسیار نفیس معدودی است که درین دوران بچاپ رسیده،و بر عموم‏ اهل ادب و تحقیق لازم است که آنرا در دسترس داشته باشند.(مجلهء یغما)